

اسلوب و اندیشهٔ جامی

دکتر محمد ناصر

عضو هیأت علمی گروه فارسی

دانشکدهٔ خاورشناسی دانشگاه پنجاب، لاہور

STYLE AND THOUGHT OF JAMI

Muhammad Nasir, PhD

Professor of Persian

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Abstract

The significance of Persian literature is truly appreciated around the world and the impact of Sufis & Saints on Persian poetry & prose can not be overlooked. Nur ud Din Abdul Rahman Jmai was a Sufi belonged to Naqshbandia Order in 9th century A.H. He spent most of his life in Heratt, modern day Afghanistan, and has left enormous and valuable poetic & prose works in Persian. He is well admired in Indo-Pak Sub-continent, Iran, Afghanistan and Central Asia. In this article, a brief sketch of his life and a concise description of his works has been mentioned, followed by a meaningful analysis of his attitude, approach, style, contents, thoughts, impact, influence, beliefs and ideology.

Keywords: Jami, Persian works, Themes, Style, Critical Analysis

نورالدین عبد الرحمن بن احمد بن محمد معروف به جامی (۲۲) آبان ۷۹۳. ۲۷ آبان ۸۷۱ ش)، (۲۳ شعبان ۸۱۷. ۱۷ محرم ۸۹۸ ق) ملقب به خاتم الشعراء، شاعر، ادیب و صوفی صافی و عارف نامدار سده نهم قمری است.

از طرف پدر نسبش به محمد بن حسن شیبانی، فقیه معروف حنفی سده دوم قمری می رسد. پدرش اهل دشت (۱) بود که در سده هشتم قمری به خراسان (۲) کوچ کرد، و در شهر جام با شهرت "دشتی" منصب قضاوت یافت و ماندگار شد. (دانشنامه جهان اسلام، واژه جامی) روزگار کودکی و تحصیلات مقدماتی جامی در خرگرد (۳) جام در کنار پدرش سپری شد. در حدود سیزده سالگی همراه پدرش به هرات (۴) رفت و در آنجا اقامت گزید؛ در همانجا به تعلم و تعلیم پرداخت و قسمت عمده حیاتش نیز در همانجا بسر آمد. (زرینکوب، دنباله جستجو در تصوف ایران، ۷۵) و از آن زمان به نام جامی شهرت یافت. وی در شعر ابتدا دشتی تخلص می کرد، سپس آن را به جامی تغییر داد که خود علت آن را تولدش در شهر جام و ارادتش به شیخ الاسلام احمد جام (۵) ذکر کرده است. (دانشنامه جهان اسلام، واژه جامی)

جامی مقدمات ادبیات فارسی و عربی را نزد پدرش آموخت و چون خانواده اش شهر هرات را برای اقامت خود برگزیدند، او نیز فرصت یافت تا در مدرسه نظامیه هرات که از مراکز علمی معتبر آن زمان بود، مشغول به تحصیل شود و علوم متداول زمان خود را همچون صرف و نحو، منطق، حکمت مشایی، حکمت اشراق، طبیعیات، ریاضیات، فقه، اصول، حدیث، قرانت، و تفسیر بخوبی بیاموزد، و از محضر استادانی چون خواجه علی سمرقندی و محمد جاجرمی استفاده کند.

در این دوره بود که جامی با تصوف آشنا و مجذوب آن شد، به طوری که در حلقهٔ مریدان سعدالدین محمد کاشغری نقشبندی (۲) درآمد، و بتدریج چنان به مقام معنوی خود افزود که بعد از مرگ مرشد ۸۲۰ هـ ق برابر با ۱۴۵۵ م) خلیفهٔ طریقت نقشبندیه گردید. پس از گذشت چند سالی جامی راه سمرقند (۷) را در پیش گرفت که در سایهٔ حمایت پادشاه علم دوست تیموری العنق بیگ (۸) به کمانون تجمع دانشمندان و دانشجویان تبدیل شده بود. در سمرقند نیز نورالدین توانست استادانش را شیفتهٔ ذکاوت و دانش خود کند. او که سرودن شعر را در جوانی آغاز کرده و در آن شهرتی یافته بود، با تمکینه زدن بر مقام ارشاد و به نظم کشیدن تعالیم عرفانی و صوفیانه به محبوبیتی عظیم در میان اهل دانش و معرفت دست یافت.

جامی به افتادگی و گشاده رویی معروف بود، و با اینکه زندگی ای بسیار ساده داشت و هیچگاه مدح دولتمردان را نمی گفت، شاهان و امیران همواره به او ارادت می ورزیدند و خود را مرید او می دانستند. جانشینان العنق بیگ خصوصاً سلطان حسین بایقرا (۱۴۳۸-۱۵۰۲ م) (حک: ۱۴۲۹-۱۵۰۲ م) (۹) و وزیر او امیر علمی شیرنوایی (۱۴۴۱-۱۵۰۱ م) (۱۰) تا آخر عمر او را محترم می داشتند و از زون حسن آق قویونلو (۱۱)، سلطان محمد فاتح پادشاه عثمانی (۱۴۳۲-۱۴۸۱ م) (حک: ۱۴۴۴-۱۴۴۲ م) و ۱۴۵۱-۱۴۸۱ م) و ملک الاشراف پادشاه مصر از ارادتمندان او بودند.

سرانجام خورشید حیات جامی تاجدار ملک سخن، و آفتاب زندگی خاتم الشعرا بی بدیل جهان فارسی، پس از هشتاد و یک سال تابش پرفروغ در دیار هرات غروب کرد. آرامگاه او در حال حاضر در شمال غربی شهر هرات واقع و زیارتگاه عام و خاص است. اما او هرگز

نسرده است زیرا هم آکنمون نام او زیبنده صدها میدان، خیابان، مرکز فرهنگی، بوستان و ... در مسالک ایران، تاجیکستان، افغانستان و ترکیه می باشد.

آثار منظوم

دیوان های سه گانه شامل قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات؛ جامی دیوان خود را در اواخر عمر به تقلید از امیر خسرو دهلوی (۱۲۵۳-۱۳۲۵ میلادی/ ۶۵۱-۷۲۵ ق) در سه قسمت زیر مدون نمود:

(الف) فاتحة الشباب (دوران جوانی)

(ب) واسطة العقد (اواسط زندگی)

(ج) خاتمة الحياة (اواخر حیات)

دیوان قصاید و غزلیات این دیوان را جامی در سال ۸۸۴ قمری تدوین کرده است. قصاید جامی در توحید و نعت پیامبر اسلام و صحابه و اهل بیت و نیز مطالب عرفانی و اخلاقی است. جامی همچنین قصایدی در مدح پادشاه سلاطین و حکمای زمانش سروده است. غزلیات جامی غالباً از هفت بیت تجاوز نمی کنند و اکثراً عاشقانه یا عارفانه است. (جامی، غزلیات، به کوشش یغمایی)

از جامی مقطعات و رباعیاتی نیز باقی است که یا محتوی مسائل عرفانی است و اشاره به حقایق صوفیانه دارد یا نکته لطیف عاشقانه ای در آن نهفته است. (جامی، دیوان، به کوشش ح. پیرمان)

هفت اورنگ که خود مشتمل بر هفت کتاب در قالب مثنوی است. (جامی، هفت اورنگ، شامل هفت مثنوی، به کوشش آقا مرتضی مدرس گیلانی)

مثنوی اول؛ سلسله الذهب

به سبک حدیقة الحقیقه (۱۲) سروده حکیم سنایی غزنوی (۴۷۲-۵۲۵ ق) و در سال ۸۸۴ قمری سروده شده است. در این مثنوی از شریعت، طریقت، عشق و نبوت از دیدگاه عرفانی سخن رفته است.

مثنوی دوم؛ سلامان و ابسال

به نام سلطان یعقوب ترکمان آق قویونلوست و در سال ۸۸۵ قمری تألیف شده است. حکایت سلامان و ابسال نخستین بار در شرح اشارات خواجه نصیرالدین توسی و اسرار حکمه ابن طفیل آمده بود که جامی آن را به نظم فارسی درآورد.

مثنوی سوم؛ تحفة الاحرار

نخستین مثنوی تعلیمی جامی است که به سبک و سیاق مخزن الاسرار (۱۲) سروده حکیم نظامی گنجوی (۵۲۵-۵۴۰ ق) سروده شده است. در این کتاب اشارت‌هایی به آفرینش، اسلام، نماز، زکات، حج، عزلت، تصوف، عشق و شاعری آمده است. در انتهای این مثنوی جامی به فرزند خود ضیاء الدین یوسف پندنامه‌ای نگاشته است که در آن از جوانی خود یاد کرده است.

مثنوی چهارم؛ سبحة الابرار

آن نیز مثنوی تعلیمی است که در سال ۸۸۴ ق سروده شده است و در آن تعالیم اخلاقی و عرفانی در باب توبه، زهد، فقر، صبر، شکر، خوف، رجا، توکل، رضا و حب آمده است.

مثنوی پنجم؛ یوسف و زلیخا

مثنوی عشقی به سبک خسرو و شیرین (۱۲) نظامی (۵۳۵-۶۰۸ ق) و ویس

و رامین (۱۵) سروده فخرالدین اسعد گرگانی (وفات : بعد از ۵۴۴۶ ق) است که به نام و یاد پیامبر و بیان معراج و مدح سلطان حسین پایتخت را آغاز می شود. در این کتاب جامی از سوره یوسف در قرآن و نیز از روایات تورات در سفر پیدایش بهره برده است. تاریخ تألیف این کتاب را سال ۸۸۸ هجری دانسته اند.

مثنوی ششم؛ لیلی و مجنون

مثنوی عشقی است که به وزن لیلی و مجنون (۱۲) سروده حکیم نظامی گنجوی (۵۳۵-۵۲۰۸ ق) و امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۵۶۲۵ ق) ساخته شده است. این مثنوی در ۳۸۲۰ بیت و در سال ۸۸۹ ق. نوشته شده است. از این تعداد ابیات ۳۱۰ بیت در حمد، نعت، معراج و سبب نظم کتاب است و ۳۵۵۰ بیت متن داستان را تشکیل می دهد. این مثنوی تقلیدی از مثنوی لیلی و مجنون نظامی است و در همان وزن سروده شده، بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف یا مقصور (مفعول مفاعله مفعولین) و خاقانی (۱۱۲۱. ۱۱۹۰ م/ ۵۲۰. ۵۵۹۵ ق) نیز در این وزن مثنوی تحفة العراقین را سروده است.

مثنوی هفتم؛ خردنامه اسکندری

مثنوی تعلیمی در حکمت و اخلاق است و در آن از حکیمان یونان از سقراط، افلاطون، ارسطو، بقراط، فیثاغورث و اسکندر سخن رفته است.

آثار منثور

آثار منثور که برخی از آنان عبارت اند از : بهارستان، رساله وحدت وجود، شرح مثنوی، نقحات الانس و منشآت.

بهارستان جامی

این کتاب را جامی برای فرزندش ضیاء الدین یوسف تألیف کرده است. جامی در تألیف این کتاب از گلستان (۱۷) نوشته شیخ سعدی شیرازی (۶۰۶-۵۶۹ ق) تقلید کرده است. نثر این کتاب مسجع و متکلف و آمیخته به نظم است. این کتاب در هشت روزه نگاشته شده است و در هر بخش حکایاتی از اولیاء و بزرگان صوفیه، شعرا، حکما و پادشاهان آمده است. این کتاب در سال ۸۹۲ هجری قمری تألیف شده است. (بهارستان، به کوشش اسماعیل حاکمی)

شواهد النبوه

جامی این کتاب را در سال ۸۸۵ هجری قمری و به درخواست امیر علی شیرنواپی نگاشت. در این کتاب معجزات پیامبر اسلام از پیش از ولادت تا پس از وفات بیان شده است و پس از آن معجزات و خرق عاداتهای خلفای راشدین، امامان، اهل بیت، سلف صالح از صحابه، تابعین و تبع تابعین آمده است. این کتاب به نثر ساده فارسی نوشته شده است و جامی در آن از اشعار فارسی و عربی و نیز احادیث و روایات نبوی استفاده کرده است. (شواهد النبوه، چاپ نولکشور)

اشعة اللمعات

این کتاب جامی به دستور امیرعلیشیرنواپی و در سال ۸۸۲ قمری نوشت شده است. این کتاب در حقیقت شرح جامی بر لمعات فخرالدین عراقی (۶۱۰-۵۲۸ ق) است؛ جامی در شرح لمعات از سخنان محیی الدین ابن عربی (۵۲۰-۵۲۳ ق) و صدرالدین محمد قونوی (۶۱۰-۵۲۶ ق) بهره برده است. شرح لمعات که در آن نکات و اصطلاحات عرفاً ذکر گشته

است در بیست و هشتم باب تدوین شد است. (اشعة اللغات، به کوشش
حامد ربانی)

نقد النصوص

کتاب نقد النصوص که به نثر عربی و فارسی است و در شرح فصوص
الحکم (۱۸) ابن عربی نوشته شده است.

لوايح

این کتاب جامی به نثر فارسی مسجع است و در هفتاد و دو باب نگاشته
شده که هر باب با یک رباعی عربی یا فارسی پایان یافته است. جامی در
سال ۸۷۰ هجری قمری این کتاب را به جهانشاه قره قویونلو ترکمان هدیه
کرد. (سه رساله در تصوف، با مقدمه ایرج افشار)

لوامع

شرح جامی بر قصیده خمیسه ابن فارض (۵۷۲-۵۲۴ ق)، بزرگترین
سراینده شعر صوفیانه در زبان عربی، است که در سال ۸۷۵ هجری قمری
نگاشته شد. (ابن فارض، دیوان ابن فارض، به همت رشید بن غالب)
(حلمسی، محمد مصطفی، ابن الفارض والحب الالهی) این کتاب در
چهارده باب نگاشته شد و موضوع آن عرفان است. (سه رساله در
تصوف، با مقدمه ایرج افشار)

نجات الانس

این کتاب مشتمل بر شرح احوال پانصد و هشتاد و دو تن از بزرگان
تصوف و نیز شرح زندگی سی و چهارتن از زنان عارف است؛ جامی در
تألیف این کتاب به طبقات الصوفیه از محمد بن حسین سلمی (۳۲۵-
۵۲۱ ق) و نیز به تذکرة الاولیای (۱۹) فریدالدین عطار نیشاپوری (۵۴۰-

۵۲۱۸ ق) نظر داشته است. یکی از شاگردان جامی به نام ضیاء‌الدین عبدالغفور لاری بر این کتاب شرحی نگاشته که به مرآة النفعات مشهور است. (نفعات الانس، به کوشش محمود عابدی)

رسالات

رسالات جامی در فن معما و قافیه سازی از نخستین رسالات او هستند. از دیگر رسالات او رساله در ارکان حج است که به زبان فارسی و عربی نگاشته شده و در آن فراموشی و مناسک حج و عمره همراه با تأویل عرفانی و فقهی آن آمده است. رسالات دیگر جامی برخی رسالات تفسیری و برخی شرح احادیث هستند که به طور پراکنده به زبان فارسی و عربی نگاشته شده اند. از مهمترین رسالات جامی، صحیفه محمد پارسا بخماری است که در آن احوال یکی از بزرگان صوفیه در خرگرد جام به نام محمد پارسا آمده است.

نی نامه

نی نامه یا نایه رساله‌ای است در معنی حقیقت نی که در شرح نخستین بیت مثنوی معنوی (۲۰) سروده جلال‌الدین محمد بلخی (۶۰۳-۵۲۶۲ ق) نوشته شده است. این نگاشته آمیخته به نظم و نثر فارسی است و در آن به سخنان بزرگان صوفیه و برخی احادیث نبوی استشهاد شده است.

رسایل

رسایل جامی رقعتهایی است که به سلاطین و بزرگان یا به ارکان دولت نوشته است؛ این نامه‌ها در کمال ایجاز و به نثر مسجع فارسی نوشته شده است.

سبک و اندیشه

جامی به تمامی هنرها، بویژه شعر، موسیقی و خوشنویسی علاقه داشت. او نسخ، نستعلیق و خط تحریری را خوب می نوشت و قرآن را با خط خوش کتابت می کرد.

جامی در سرودن شعر نیز، ذوق و توانایی شگفتی داشت. او پیرو مکتب ادبی و عرفانی حافظ بود. جامی شاهکارهای جاودانه ای در قالب قصیده، غزل، مثنوی و رباعی پدید آورد و آثار درخشانی به زبان فارسی در بر جای گذاشت. علاقه به آب و خاک و وطن را جامی در غزلهای متعدد بوضوح به زبان شعر بیان کرده است.

بیشتر اشعار جامی به مناسبت حال و مقال سرود شده و از این روست که شاعر همه جا، حتی در بلندترین غزلهای خود که با سخن استادان بزرگ شعر پارسی برابری می کند، از آوردن لغات و تعبیرات روز و اصطلاحات معمول عامیانه امساک نمی کند و تنها صبغه زمان است که شعر او را از سخن گویندگان قدیم جدا می سازد.

طبع جامی در قالب گیری بسیار قوی است. کلمات زیبا و قافیه های سنگین را با تردستی و چالاکی شکار می کند. فکر و اندیشه و مضامین نو را با مصالحتی که غالباً از استادان قدیم به عاریه گرفته، کار می گذارد. شمع و شامه و اشک و چاه و غم کار او هستند، ولی جامی در این لباس فاخر کهنه دیگران، آزاد و مستقل است. شرح عشق طولانی و آتشین جامی در غزلهای وی مشروح است و زمان سختی آن عشق در قصیاید نیز حالات شاعر را در جریان عشق عرفانی حکایت می کند که مطالعه آنها به خوانندگان وی نشاط می دهد.

عشق عارفان جامی را می توانید در خلال صفحات دیوان او بیابید و جلوی نور دقیق چشم و روشنی دل بگذارید. هرچه ملاحظه کردید همان است که جامی می خواسته است. در عین حال که زبان شعر جامی بسیار ساده است.

جامی روح حساسی داشت. او سنگ صبور غمهای نوع انسان بود. اشعار او تجلی دردهای بشری است. او همچون مقله عشق را در اشعار خویش ناب تر از هر شعری عرضه داشته است.

جامی، شعر را هنرمندان به خدمت گرفته بود تا مذهب، ملت و میهن خود را به جهانیان معرفی کند. شعر او، گاه خواننده را به شعرهای دور و دراز می برد، به آسمانهای عرفان و انسانیت کامل، پرواز می دهد و عالم همایی بمالاتر از این عالم ظاهری را که خود درک کرده است به او نشان می دهد. گما نیز خواننده را دگرگون می کند و او را می دارد، بی اختیار به روزگار حسرت خود، به ناپایداری روزگار، آرزوهای محال، فرصتهای از دست رفته و بر آن گذشته ای که باز آمدنی نیست اشک بریزد و همه گذشته تلخ و شیرین خود را در آن ببیند. در واقع، هر یک از شعرهای جامی، پرده ای از سوز و سازها و افت و خیزهای زندگی او را نشان می دهد و از اجتماع و تاریخ سخن می گوید. بیان لطیف، ساده، روانی و جذابیت کلام، ویژگیهای شعر جامی است. البته گاه در کنار بیان لطیف و ادیبانه، دیده می شود شاعر بما شجاعت، پروایی از کاربرد اصطلاحات عامیانه ندارد و تصاویر زیبای کلامی را با جملات محاوره ای در می آمیزد و از اینکمه ادیبان، سطح شعرش را نازل پندارند نمی هراسد. این تلفیق شاعرانه، از ویژگیهای شعر جامی است. جامی معتقد به تحول و تجدید حیات در شعر ادبی بود و آثار این نوگرایی در بیشتر

اشعارش دیده می شود. او از کاربرد مضامین نو، پروایی نداشت و در این زمینه، نوآوریهای فراوانی دارد.

جامی شاعری عاشق بود که شعر او جلوه ای از وجود و تبلور حقیقی احساس بود. خدا شناسی و معرفت جامی به خدا و دین در غزلهای او بخوبی مندرج است.

جامی علاقه به عشق و عرفان را به زبان شعر بیان کرده است. البته با مطالعه این آثار به ایمان عمیقی که جامی به تصوف و آرزوی ترقی و تعالی آن دارد، پی برده می شود. استفاده جامی از امکانات زبان مردمی آگاهانه بود، و او ماهرانه از این ابزار سود جست و در غالب موارد موفق بوده است. در سراسر اشعار وی روحی حساس و شاعرانه موج می زند که بر بال تخیلی پویانده و آفریننده در پرواز است، و شعر او در هر زمین که باشد از این خصیصه بهره مند است و به تجدد و نوآوری گرایشی محسوس دارد. شعرهایی که سروده و دگرگونی هایی که در برخی از اشعار خود در قالب و طرز تعبیر و زبان شعر به خرج داده، حتی تفاوت صور خیال و برداشتهای در قبال سنتی و بسیاری جلوه های دیگر حاکی از طبع آزمایی ها در این زمینه و تجربه های متعدد او است.

قسمت عمده ای از دیوان جامی غزل است. سادگی و عمومی بودن زبان و تعبیر یکی از مویجات رواج و شهرت شعر جامی است. جامی با روح تاثیرپذیر و قریحه سرشار شاعرانه که دارد عواطف و تخیلات و اندیشه های خود را به زبان مردم به شعر بازگو کرده است. از این رو شعر او برای همگان مفهوم و مأنوس و نیز مؤثر است. جامی در زمینه های گوناگون به شیوه های متنوع شعر گفته است. شعرهایی که در موضوعات وطنی و اجتماعی و تاریخی و مذهبی و وقایع عصری سرود، نیز کم

نیست. تازگی مضمون، خیال، تعبیر، حتی در قالب شعر دیوان او را از بسیاری شاعران همزمان متمایز کرده است.

اغلب اشعار جامی به مناسبت حال و مقال سروده شده و از این روست که شاعر همه جا در آوردن لغات و تعبیرات روز و اصطلاحات معمول عامیانه امساک نمی‌کند و تنها وصف حال زمان است که شعر او را از اشعار گویندگان قدیم مجزای می‌کند.

بی تردید در میان سخنوران روزگار، از طلوع شعر دری که با سلطان شاعران، رودکی سمرقندی (۸۵۸. ۹۴۰ م / ۲۲۲. ۳۲۹ ق)، آغاز می‌شود، تاکنون کمتر شاعری به روزگار خویش به نام و آوازه ای همچون جامی دست یافته است. جامی با این که از آوازه و نامی استثنایی بهره ور است، باز هم می‌توان گفت که هنوز یکی از ناشناخته‌ترین شاعران دری است. جامی مداومتی بسیار در قرآن کریم که منشأ فیضهای بیکران و کرامات بی حصر و حد است داشته و همین کتاب، که آبشخور همه حکما و عرفا بوده است و از این پس تا پایان قیامت هم خواهد بود، تازگی و جزالتی به سخن خاتم الشعرا داده است که وی را از امثال و اقران ممتاز ساخته است.

در بررسی مجموعه آثار خاتم الشعرا به این نتیجه رسیدیم که وی نه تنها شاعری صرفاً کلاسیک نیست بلکه شاعری نوچو و پویاست و سبک بیان او نیز ادامه و دنباله سبک خراسانی و عراقی و اصفهانی است که با نوچویی های شاعر، مسیری در کمال نیز پیموده است.

روایت شادای خاتم الشعرا ی پاریسی، کلامت همیشه بادای قله شعر، نامت در جلگه شاعران در زمره آن بزرگانی باد که تو را آموختاندند.

پانوشتها

- (۱) دشت؛ شهری در نزدیکی اصفهان
- (۲) خراسان بخشی از ایران بزرگ و از دوران ساسانیان، نام سنتی و کلی برای اشاره به نواحی شرقی ایران است و نام آن از دوران ساسانیان در ایران مرسوم شد. قلمرو تاریخی خراسان شامل استان خراسان در ایران کنونی و بخشهای عمده‌ای از افغانستان و ترکمنستان امروزی بوده است. در مفهوم گسترده‌تر از پاکستان و تاجیکستان و بخشهایی از قرقیزستان و قزاقستان را هم می‌توان در قلمرو خراسان بزرگ تاریخی به حساب آورد.
- (۳) خرگرد از روستاهای قدیمی و مهم شهرستان خواف خراسان ایران است. خرگرد زادگاه شاعران پارسی گو عبدالرحمن جامی و هاتقی خرگردی است.
- (۴) هرات یکی از بزرگترین شهرهای افغانستان و مرکز ولایت هرات در غرب آن کشور است. این شهر پس از کابل، دومین شهر پرجمعیت افغانستان محسوب می‌شود. هرات قطب صنعتی و مهمترین کانون فرهنگی-هنری افغانستان به شمار می‌آید. رودخانه معروف هری رود از کنار این شهر می‌گذرد.
- (۵) شیخ الاسلام احمد ابن ابوالحسن جامی نامقی ترشیزی معروف به شیخ احمد جام (۴۲۱. ۵۵۲۲ ق) معروف به ابونصر احمد ژنده پیل یا بطور خلاص ژندپیل از عارفان دوره سلجوقی بود. وی از عارفان و صوفیان بنام قرن ششم هجری قمری است. زادگاه وی نامق از دیار ترشیز یا کاشغر فعلی بوده و مدفن وی در تربت جام می‌باشد. طول عمر وی را بیشتر مراجع ۹۵ سال و بعضی ۹۶ سال ذکر کرده‌اند.

- (۶) سعدالدین کاشغری (درگذشت ۵۸۲۰ ق) از مشایخ نامی طریقت نقشبندیه در هرات و مرشد عبدالرحمان جامی بود.
- (۷) سمرقند با جمعیتی بالغ بر ۵۹۲,۳۰۰ نفر (برآورد تخمینی سال ۲۰۰۸)، دومین شهر بزرگ ازبکستان، و مرکز استان سمرقند است. این شهر در ارتفاع ۷۰۲ متری از سطح دریا واقع است. پیشتر ساکنان این شهر فارسی زبان هستند و به فارسی تاجیکی صحبت می‌کنند. این شهر یکی از مراکز تاریخی مردم تاجیک در آسیای میانه است.
- (۸) آلف بیگ (۷۹۵ تا ۸۵۲ هجری قمری) فرزند شاهرخ و نوه تیمور از پادشاهان تیموری ایران بود. او پادشاهی ستاره شناس، ریاضی دان و اهل علم و ادب بود.
- (۹) سلطمان حسین بایقرا (۸۳۲. ۹۹۱ ه ق) پسر امیر منصور پسر بایقرا پسر عمر شیخ پسر تیمور گورکانی معروف به خاقان منصور و معزالسلطنه و ابوالغازی آخرین سلطان بزرگ از امرای تیموری (فرمانروایی: ۸۷۳. ۹۷۵ ه ق و ۸۷۵. ۹۹۱ ه ق) بود.
- (۱۰) امیر علی شیر نوایی (۸۳۴. ۹۰۲ یا ۹۰۷ ه ق) شاعر، دانشمند و وزیر سلطان حسین بایقرا گورکانی (۸۷۵. ۹۱۱ ه ق) بود.
- (۱۱) اوزون حسن آققویونلو (۱۴۷۸. ۱۴۲۳) یکی از مقتدرترین سلاطین سلسله آق قویونلو بود که بر ایران، عراق و شرق آناتولی بیست و پنج سال حکومت کردی پدر بزرگ شاه اسماعیل اول از طرف مادری بود.
- (۱۲) حدیقه الحقیقه یا الهی نامه؛ سروده حکیم سنایی و از جمله ارجمندترین منظومه های زبان و ادبیات عرفانی کهن فارسی است که در آن شور و سوز عارفانه با لطایف و اسرار حکمی بیان شده است.

(۱۲) مخزن الأسرار نخستین مثنوی نظامی گنجوی، شاعر ایرانی است. از آنجا که در خود کتاب اشعاره مستقیم و یا غیرمستقیم به تاریخ سرایش و یا تاریخ تقدیم اثر به والی آذربایجان نشده است، و همچنین در آثار معتبر دیگر نیز تاریخ دقیق خلق این اثر ذکر نشده، نمی توان بیقین تاریخ سرایش آن را تعیین کرد. ولی با توجه به اینکه نظامی تاریخ های بسیار دقیق دیگری از آثار، سن فرزند و ماده تاریخ های دیگر در آثار دیگرش می دهد، و همچنین با بررسی تاریخ آذربایجان واران، و مطالعات تطبیقی می توان بیقین گفت که خلق این اثر بین سالهای ۵۲۱ و ۵۲۹ قمری می باشد (و به احتمال زیاد نزدیک به ۵۲۹ برابر با ۱۱۴۳ میلادی است). نظامی این کتاب را به ملک فخرالدین بهرامشاه بن داوود والی آذربایجان تقدیم کرد. این کتاب دربرگیرنده خواندن مردم به خودشناسی، خداشناسی و گزینش ویژگی های پسندیده اخلاقی است و در بحر سریع مسدس (مفتعلن مفتعلن مفتعل) سروده شده است.

(۱۳) خسرو و شیرین؛ منظومه ای از نظامی گنجوی است که در آن از لحن بارید سخن رفته است. نظامی این منظومه را در چهارچوبهای زندگی خسرو در بزم شیرین، هنگام فرار از مقابل بهرام چوبینه و شب نشینی های آن دو با هم و غزل هر یک از کنیزان خسرو و شیرین و گفتگوی آن دو و سرود نکیسای بارید، بیان می دارد.

(۱۴) ویس و رامین؛ محققان فرنگ و یس و رامین عاشق و معشوق افسانه ای ایران باستان را از مردم شهر گوراب که در جنوب ملایر می باشد دانسته اند.

(۱۶) لیلمی و معجنون؛ نام مجموعه شعری از نظامی گنجوی شاعر پرآوازه ایرانی است. این مجموعه سومین مثنوی از مجموعه مثنوی‌هایی است که به خمسه نظامی معروف هستند.

(۱۷) گم‌گشته‌ها؛ نوشته شاعر و نویسنده معروف ایرانی سعدی شیرازی. تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی می‌باشد که در یک دیباچه و هشت باب به نثر مُشجع نوشته شده است. غالب نوشته‌های آن کوتاه و به شیوه داستان‌ها و نصایح اخلاقی است.

(۱۸) فصوص الحکم؛ کتاب فصوص یا فصوص الحکم اثر شیخ اکبر ابن عربی از کتب مشهور تصوف و عرفان نظری است. فصوص جمع واژه فص به معنای نگین است و فصوص الحکم نگین‌های حکمت معنا می‌دهد.

(۱۹) تذکرة الاولیاء؛ کتابی عرفانی است به نثر ساده و در قسمت‌هایی مسجع، در شرح احوال بزرگان اولیا و مشایخ صوفیه به فارسی، نوشته فریدالدین عطار نیشابوری.

(۲۰) مثنوی معنوی؛ مثنوی، مشهور به مثنوی معنوی (یا مثنوی مولوی)، نام کتاب شعری از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی شاعر و صوفی است.

کتابشناسی

. ابن عربی، محی‌الدین، فصوص الحکم؛ با تعلیقات ابوالعلا عینی،

انتشارات الزهراء، چاپ اول، تهران، ایران ۱۳۲۲ ش

. ابن فارض، دیوان ابن فارض؛ به همت رشید بن غالب الدحداح، مصر،

چاپ اول ۱۳۰۶ق

- الطرازی، نصرالعلمه مبشر، نورالدین عبدالرحمان الجامی (فہرس
بمؤلفاته المخطوطہ والمطبوعہ)، قاہرہ، مصر، ۱۹۲۳م
- اورنہایف، عصام الدین، نامہ ہمای دستنویس جامی، بہ همکاری و
مقدمہ مایل ہروی، کابل ۱۳۶۶ خورشیدی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن، اشعة اللغات؛ بہ تصحیح و مقابلہ حامد
ریانی، انتشارات گنجینہ، تہران، ایران ۱۳۵۲ ش
- ہمو، بہارستان؛ چاپ نولکشور، لکھنؤ، ہند، بی تا
- ہمو، ہمان؛ بہ کوشش اسماعیل حاکمی، چاپ اول، انتشارات
اطلاعات، تہران، ایران ۱۳۶۴ ش
- ہمو، تحفة الاحرار؛ چاپ نولکشور، چاپ ہفتم، لکھنؤ، ہند، بی تا
- ہمو، دیوان (شامل غزلیات، مرثیہ ہما، ترجیع بندھا، مقطعات،
رباعیات)؛ بہ اہتمام ح. پڑمان، انتشارات حسین محمودی، چاپخانہ
علمی، تہران، اسفند ماہ ۱۳۱۷ ش
- ہمو، سہ رسالہ در تصوف (لوامع، لوائح، شرح رباعیات)؛ بہ تصحیح
و مقدمہ ایرج افشار، کتابخانہ منوچہری، تہران، ایران ۱۳۶۰ ش
- ہمو، شرح فصوص الحکم، مطبع الدخان المسمی بہ فیض بخش
الکاین فی بلد فیروزپور شہر، (بہ زبان عربی) ۲۲۶ صفحہ، ۱۹۰۷ م.
- ہمو، شواہد المنبہة لتقویة یقین اہل الفتوة؛ مطبع نولکشور، لکھنؤ،
ہند، ۱۹۱۴ م
- ہمو، ہمان، ترجمہ اردو از بشیر حسین ناظم، مقدمہ اقبال احمد
فاروقی، مکتبہ نبویہ، گنج بخش رود، لاہور، پاکستان ۱۳۹۴ ق ۱۹۷۴ م.
- ہمو، غزلیات؛ ویراستہ سید بدرالدین یغماپی، موسسہ مطبوعاتی
شرق، تہران، ایران ۱۳۶۸ ش

- همو، کلیات جامی؛ به فرمایش شیخ الهی بخش محمد جلال الدین، به اهتمام حافظ مظفرالدین، بازار کشمیری، لاهور، ۱۹۲۲م
- همو، نفحات الانس من حضرات القدس؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، چاپ سوم، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۴۵ ش
- همو، همان؛ به اهتمام ملا غلام رسول خواجه حسن، تاشکند، ۱۳۳۲ ق
- همو، همان؛ به تصحیح ناسیولیس، بدون مقدمه، کلکتہ، ۱۸۵۹م
- همو، همان؛ ترجمه اردو، به اهتمام ملک چن الدین خلف الرشید ملک فضل الدین کنکی زیبی نقشبندی، چاپ اول، کوچه کنکی زیبان، منزل نقشبندیہ، بازار کشمیری، لاهور، بی تا
- همو، همان؛ چاپ دوم، اللہ والی کی قومی دکان، بازار کشمیری، لاهور، ۱۹۵۵م
- همو، همان؛ ترجمه مولانا حافظ سید احمد علی چشتی نظامی، دوست ایسوسی ایتس، ناشران و تاجران کتب، الکریم مارکت، اردو بازار، لاهور، پاکستان، ۲۰۰۳م
- همو، هفت اورنگ (شامل سلسل الذهب، سلامان و ابسال، تحف الاحرار، سبح الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و معجزون، خردنامه اسکندری) به تصحیح و مقدمه آقا مرتضی مدرس گیلائی، کتابفروشی سعدی، تهران، ایران، بی تا
- حکمت، علی اصغر، جامی، متضمن تحقیقات در تاریخ احوال و آثار منظوم و منثور خاتم الشعرا نورالدین عبدالرحمن جامی، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۲۰ ش.
- همو، همان؛ ترجمه اردو و تحشیہ و تکلّمہ از عارف نوشاهی، انتشارات رضا لاهور بما همکاری مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد، لاهور، ۱۳۰۳ ق برابر با ۱۹۸۳م

- . حلمی، محمد مصطفی، ابن الفارض والحب الالهی؛ مصر، ۱۹۷۱م
- . دانشنامه جهان اسلام؛ واژه جامی
- . زرینکوب، عبدالحسین، جستجو در تصوف ایران؛ امیر کبیر، تهران، ایران، ۱۳۵۷ش
- . همو، دنباله جستجو در تصوف ایران؛ امیر کبیر، تهران، ایران، ۱۳۶۲ش.
- . سعدی شیرازی، گلستان؛ به کوشش غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، تهران، ایران، ۱۳۶۸ش
- . سنمایی غزنوی، حدیقة الحقیقه؛ تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۳۵۹ش
- . غزنوی، سدیدالدین محمد، مقامات ژنده پیل؛ به کوشش هشت مویذ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ایران، ۱۳۴۰ش
- . مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی؛ به همت نیکلسون، انتشارات مولی، تهران، ایران، ۱۳۶۰ش
- . نظامی گنجوی، لیلی و مجنون؛ با حواشی و شرح لغات وحید دستگردی، موسسه مطبوعات علمی، تهران، ایران، بی تا
- . هاشمی، طالب، سوز جامی؛ مقبول آکادمی، لاهور، ۱۹۷۳م.

